

شناسایی ویژگی‌های تصویرسازی اسلام در شبکه‌های ماهواره‌ای (مورد مطالعه: مستند «برادر اسلام‌گرای من» شبکه بی‌بی‌سی)

سید محمدرضا فیاضی^۱
سارا مومنی^۲

چکیده

با توجه به نقش رسانه‌های جمعی در شکل‌دهی به افکار عمومی، هدف مقاله این است که ویژگی‌های تصویرسازی اسلام و غیریت‌سازی‌های مرتبط با آن در شبکه‌های ماهواره‌ای را استخراج کند تا نمایی از کیفیت تقابل گفتمانی در یکی از عرصه‌های رسانه‌ای به دست آید. مقاله با استفاده از روش تحلیل گفتمان مستند «برادر اسلام‌گرای من» را که از شبکه بی‌بی‌سی پخش شده است، مطالعه کرده تا نظام معنایی گفتمان‌های موجود در مستند را از زاویه تحلیل تصویرسازی نماینده‌های گفتمانی استخراج کند. در این پژوهش با استفاده از روش پیاده‌سازی تفسیری ابتدا دال‌های شناسا در یک تقسیم‌بندی پنج‌گانه معرفی و تحلیل شد و سپس با ادغام سه دال شناسایی که از میزان قرابت معنایی بالایی برخوردار بودند؛ سه هویت مجزا که با دیگری غیریت‌سازی شده بود مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت تا در نهایت نظام معنایی سه‌گانه گفتمان لیبرال دموکراسی، گفتمان بنیادگرای افراطی و گفتمان اسلام معمولی استخراج شود. هر یک از نظام‌های معنایی مشتمل بر پیش‌فرض‌های بدیهی‌انگاشته شده نظیر اعتقاد یا عدم اعتقاد به غیب و نسبی‌گرایی یا مطلق‌گرایی است و در کنار آن تلاش شده تا دال مرکزی و دال‌های پیرامونی این نظام‌های معنایی تبیین شود.

واژگان کلیدی: مدیریت تصویر، تحلیل گفتمان، تصویرسازی، اسلام،

بی‌بی‌سی

۱ دکترای مدیریت رسانه علوم تحقیقات. seiedmrf@gmail.com

۲ دانشجوی دکترای مدیریت رسانه علوم تحقیقات saramomeni@ut.ac.ir

مقدمه

در جهان رسانه‌ای شده عصر حاضر، مفهوم مدیریت تصویر در دو حوزه کلی انگاره سازی از اشخاص و انگاره سازی از رویدادها و موضوعات مطرح شده است. به گفته ژان بودریار^۳، امروزه «تصاویر» اهمیت و جایگاهی به مراتب فراتر از «واقعیت» پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر تصاویر، واقعی‌تر و حتی تأثیرگذارتر از واقعیت شده‌اند (اسفندیاری، ۱۳۹۳، ص. ۴۶). به عقیده ماتسون (۱۳۹۲) رسانه‌ها با بازنمایی‌های غالب جهان اجتماعی و نوع تعاملات میان مردم و صاحبان قدرت، چگونگی شکل‌گیری معانی متفاوت در متون رسانه‌ای و بازنمایی واقعیت را نشان می‌دهند (شریفی، انصاری، & اسدالله زاده، ۱۳۹۵، ص. ۹۰).

مولانا (۱۳۷۵) انگاره را به مثابه سازه‌ای تعریف می‌کند که مضمون آن به خودی خود، مجموعه‌ای از تصاویری است که از جنبه‌های مختلف واقعیت، در ذهن فرد وجود دارد (ص. ۱۰). در واقع مدیریت تصویر فرآیندی است میان‌رشته‌ای که ذیل مفهومی کلی‌تر به نام مدیریت برداشت^۴ و مدیریت پیام تعریف می‌شود. به بیان دیگر یکی از راه‌های دستیابی به مدیریت مطلوب برداشت، بهره‌گیری از سازوکارهای مدیریت تصویر است.

موضوع مدیریت تصویر از حیث جوانب مختلف آن به دو رویکرد کلی فرآیندی و محتوایی تقسیم می‌شود. رهیافت فرآیندی به دنبال آن است تا با نگاهی سیستمی، فرآیندهای سخت‌افزاری مدیریت پیام را به صورت کلی و فارغ از مصادیق، طراحی و مدل‌سازی کند تا برای مدیریت تصویر مطلوب هر سوژه، مسیر مشخصی بر اساس الگوی طراحی شده طی شود؛ اما در رهیافت محتوایی که به تنهایی موضوع پژوهش‌های مستقلی است؛ باید با رویکردی اقتضایی به طراحی تصویر مطلوب و اختصاصی یک فرد یا رویداد خاص پرداخته شود که به علت منحصر به فرد بودن، با

3 Jean Baudrillard
4 Image Management
5 Impression Management

بررسی میداقي و عمیق سوژه، راهبردها و دستورالعمل‌های تجویزی برای مدیریت تصویر بهینه آن سوژه ارائه شود (فیاضی & صلواتیان، ۱۳۹۴).

در میان موضوعات و پدیده‌های مختلف، موضوع تصویرسازی از اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. به عقیده پرات (۲۰۱۱) مطالعه عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری تصاویر و تفکرات منفی علیه مسلمانان، نشان می‌دهد که تصاویر و محتوای رسانه‌ها از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این گونه احساسات ضداسلامی هستند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۲). این موضوع با توجه به گسترش روزافزون اسلام و نزاع ایدئولوژیک حاکم بر جهان در فضای غالب رسانه‌های غربی با جدیت پیگیری می‌شود، اما جبهه رسانه‌ای اسلام در ارائه انگاره‌های مطلوب از این مفهوم و دین شریف، دچار کاستی‌های اساسی است.

برای انجام پروژه‌های مدیریت تصویر سه فاز مستقل و در عین حال مکمل مورد توجه قرار می‌گیرند؛ فاز نخست به بررسی وضعیت سوژه در فضای رسانه‌ای اختصاص دارد که مشتمل بر تشخیص و تحلیل انگاره ارائه شده توسط رسانه‌های خودی، رسانه‌های رقیب و مطالب مطرح شده در رسانه‌های اجتماعی است تا بر اساس برآیند سه بستر رسانه‌ای، تخمین قابل‌تعمیم و دقیقی از وضعیت انگاره ارائه شده در فضای رسانه‌ای به دست آید. در فاز دوم اما معمولاً تلاش می‌شود تا انگاره موجود یا تثبیت‌شده سوژه در طیف‌های مختلف افکار عمومی و نخبگانی که برآمده از مجموعه‌ای از عوامل رسانه‌ای و غیررسانه‌ای است؛ بر اساس رویکردهای کلاسیک پیمایش یا مخاطب‌سنجی‌های مدرن مبتنی بر کلان‌داده، استخراج و تحلیل شود. در نهایت فاز سوم ناظر به تلاش برای استفاده از داده‌های موجود و ظرفیت‌ها و محدودیت‌های اختصاصی سوژه بنا بر شرایط اقتضایی خاصی است که با در نظر گرفتن مجموعه آن‌ها، تجویزهایی در جهت بر ساخت انگاره‌های هدفمند و یا واسازی برخی از انگاره‌های موجود انجام می‌شود (فیاضی بروجنی & فضل‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۵).

بر اساس آنچه گفته شد در این پژوهش تلاش شد تا مختصات تصویرسازی از اسلام ذیل فاز نخست فرایندهای مطالعاتی مدیریت تصویر، ناظر به استخراج تصویر ارائه شده در بستر رسانه‌های رقیب سنتی و از طریق مطالعه نحوه تصویرسازی شبکه بی‌بی‌سی به عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های گفتمان رقیب، موردبررسی و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه نظری پژوهش

نظریه بازنمایی رسانه‌ای

از نظر «ریچارد دایر» مفهوم بازنمایی در رسانه‌ها عبارت است از: «ساختی که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیاء، اشخاص، هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می‌کنند. تجلی بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد». بازنمایی نوعی تصویر دست‌کاری شده از واقعیت بیرونی است. رسانه‌ها زبان ارائه بازنمایی از واقعیت را دارند و از خصیصه چند زبانی برخوردار هستند.

نظریه بازنمایی به ما یادآوری می‌کند که سیاست‌نمایش‌دهنده رسانه‌ها تعیین می‌کند که تصاویر و شیوه‌های تصویر کردن گروه‌های خاص چگونه به انجام برسد. این امر تا حدی به اهمیت رسانه‌های جمعی در داشتن قدرت بازنمایی برمی‌گردد، چراکه از این طریق بعضی از تصاویر و فرض‌ها و گمان‌ها را بیشتر بازمی‌نمایند و برخی از تصاویر و فرض‌ها و گمان‌ها را به غیاب می‌راند که نمی‌شود با آن‌ها تعاملی برقرار کرد. بازنمایی، ساخت رسانه‌ای واقعیت است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۵-۱۷).

نظریه انگاره‌سازی

یک انگاره از ابعاد شناختی، تأثیرپذیری و عملی تشکیل شده است؛ بعد شناختی انگاره‌ها، بر زاویه دید فرد نسبت به خود و ادراکی که از خویشتن دارد دلالت دارد. بعد تأثیرپذیری انگاره‌ها، بر علاقه‌مندی یا بی‌علاقگی فرد نسبت به انگاره‌ها

دلالت دارد و در نهایت بعد عملی انگاره‌ها، بر آثار رفتاری آن‌ها روی افراد تأکید می‌کند. انگاره‌ها باعث یکدل شدن مردم یک فرهنگ یا یک منطقه و یا یک کشور در مورد طرز تلقی‌شان نسبت به یک پدیده یا یک موضوع خاص می‌شوند. مولانا (۱۳۷۵، ص. ۱۱).

انگاره سازی یکی از شیوه‌های عملیات روانی است که در نبرد رسانه‌ای از آن استفاده می‌شود. برنارد کوهن معتقد است که رسانه‌ها برای هدایت افکار عمومی از واقعیات، انگاره‌هایی خلق می‌کنند که تنها در راستای اهداف کارگزاران ارتباطی است، از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو، رسانه‌های غربی برای پیشبرد مقاصد یک‌جانبه‌گرایانه توانستند هراس و وحشت از اسلام را ریشه‌دار کنند (محمدخانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۷).

مدیریت تصویر^۸

مدیریت تصویر نتیجه ترکیب مفهوم مدیریت برداشت و مدیریت پیام بوده و به معنای ساماندهی فرآیندهای رسانه‌ای برای انتقال انگاره هدفمند و مطلوب به مخاطب است. در واقع مدیریت تصویر به دنبال ایجاد و ارائه انگاره‌هایی از اشخاص، رویدادها و موضوعاتی است که متناسب با اهداف یک رسانه بوده و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های پرداختی و فرآوری رسانه‌ای بتواند حتی‌المقدور انگاره‌ای حساب‌شده و مطلوب را به مخاطبین منتقل کند. (فیاضی بروجنی & صلواتیان، بازمهندسی فرایند مدیریت تصویر در سازمان صداوسیما، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۰)

مدیریت برداشت

بر اساس تعریف گافمن (1959, p. 4) «هنگامی که فرد در جمعی حاضر می‌شود معمولاً دلایلی وجود دارد تا بسته به شرایط شخص تلاش کند تا رفتارهای خود را تغییر داده و تأثیر مطلوب خود را در ذهن دیگران ایجاد کند. در واقع مدیریت برداشت تلاشی است برای ایجاد معنی، هدایت تعاملات اجتماعی و کمک به پیش‌بینی انتظارات دیگران از ما» (Richard & Couto, 2012). بعدها، پیتر هال سعی کرد تا این مفهوم را برای نخستین بار در حوزه سیاست وارد کند و در تعریف

آن نوشت؛ «مدیریت برداشت به معنای خوداظهاری موفق است که در فرآیندهای متغیر چانه‌زنی‌های سیاسی، منجر به درک قدرت سیاسی ما توسط طرف مقابل می‌شود و این توانایی را ایجاد می‌کند تا تعیین مختصات موقعیت‌ها به‌گونه‌ای برای طرف مقابل ترسیم شود که مطلوب ماست (Hall, 1972)». در این پژوهش منظور ما از مدیریت برداشت، کنترل بر قضاوت و رفتار دیگران به‌منظور دستیابی به تمایلات هدفمندی است که از طریق تأثیر و نفوذ روی تعریف و برداشت مخاطبان از موقعیتی که با آن درگیر هستند انجام می‌شود (Hall, 2009).

تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان تحلیل اجتماعی مقوله‌های زبانی است. یا به عبارتی، استفاده از پس‌زمینه‌ها و یا رفتارهای اجتماعی برای بررسی و ارزیابی مقوله‌های کلامی و زبانی در یک متن می‌باشد. هدف اصلی مطالعه گفتمان، ایجاد توصیفی واحد، از سه بعد اساسی گفتمان است؛ این ابعاد شامل کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها و تعادل در موقعیت‌های اجتماعی است. در مطالعه مفهوم گفتمان نحوه تقابل و تأثیر این ابعاد نسبت به هم مورد بررسی قرار می‌گیرد (ون دایک، ۱۳۸۲، ص. ۴۶).

تلویزیون بی‌بی‌سی انگلیسی

شبکه بی‌بی‌سی که بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا است، در سال ۱۹۲۷ میلادی شکل گرفت. در سال ۱۹۳۶ میلادی یک کانال تلویزیونی توسط این تشکیلات راه‌اندازی شد. این شبکه از آن زمان تاکنون در جهت منافع بریتانیا در کل جهان فعالیت دارد. چندماه پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، تلویزیون فارسی شبکه بی‌بی‌سی با همان سیاست و استراتژی در ۲۵ دی ماه ۱۳۸۷ رسماً شروع به کار کرد.

پیشینه تجربی پژوهش

۱-۱- مروری بر پژوهش‌های پیشین

نوپایی رویکرد علمی مدیریت تصویر در عرصه رسانه و سیاست، موجب شده تا یافتن پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با این تحقیق با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه شود. به گفته پیتروال «تحقیقات مختصری که در حوزه مدیریت برداشت در عرصه سیاست انجام شده است؛ غالباً بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تمرکز داشته است» (2009). مع‌الأسف نوع ادبیات همین کارهای محدود نیز بیش‌تر دارای رویکردی توصیفی و شبه ژورنالیستی است که با نگاهی انتقادی بیش‌تر به توصیف یا نقد عملکرد تیم‌های رسانه‌ای پرداخته و متأسفانه کم‌تر شاهد تجویزهای علمی با ادبیات مرسوم علمی و پژوهشی هستیم. با این حال نتایج بررسی‌های برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع این تحقیق اجمالاً ذکر می‌شود.

جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های داخلی مربوط به تصویرسازی رسانه از اسلام

موضوع و روش انجام پژوهش	عنوان پژوهش	نویسندگان
مطالعه مقالات مربوط به ایران در سایت ممری وابسته به اسرائیل با استفاده از روش تحلیل گفتمان	گزینش، ترجمه، شلیک: مدیریت تصویر بین‌الملل در فضای سایبر	حسام‌الدین آشنا فهمیه وزیری (۱۳۸۵)
تحلیل فیلم‌های سینمایی، کوتاه و مستند مرتبط با بازنمایی اسلام پس از حادثه ۱۱ سپتامبر	بازنمایی اسلام و ایران در رسانه‌های غرب	بیچرانلو (۱۳۸۸)
تحلیل گفتمان اخبار مربوط به مسلمانان روزنامه‌های ایندپندنت، نیویورکتایمز، هرالده تریبون و تایمز	زبان و ایدئولوژی: تحلیل انتقادی گفتمان رسانه‌های غربی در بازنمایی اسلام	سلحشور (۱۳۸۷)
تحلیل ۱۴۰ میلیون کلمه از مقالات روزنامه‌ها درباره مسلمانان و اسلام	تحلیل گفتمان و نگرش‌های رسانه‌ای: بازنمایی اسلام در مطبوعات انگلیسی	بیکر (۱۳۹۲)
بررسی اقدامات رسانه‌ای حزب‌الله از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲	استراتژی حزب‌الله در مدیریت تصویر	لینا خطیب (۲۰۱۲)
مطالعه نقش محوری رسانه‌های آمریکایی در بازنمایی سوءگیرانه از اسلام سیاسی	نظریه بازنمایی و انگاره‌های معنایی گفتمان رسانه‌ای آمریکا از اسلام و ایران	رضا سلیمانی (۱۳۹۴)
تحلیل محتوای فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب با موضوع هویت دینی و با استفاده از نظریه هویت و نظریه بازتابندگی آنتونی گیدنز	بازنمایی هویت دینی در سینمای پس از انقلاب اسلامی	مرشدی‌زاد

جدول ۲. خلاصه پژوهش‌های داخلی مربوط به تصویرسازی رسانه از اسلام

نویسندگان	عنوان پژوهش	موضوع و روش انجام پژوهش
و. شادید و پی. اس. ون کنتیگولد (۲۰۰۲)	تصویر منفی از اسلام و مسلمانان در غرب: علل و راه‌حل‌ها	مطالعه تصویرمسلمانان در رسانه‌های غربی پس از مهاجرت مسلمانان به اروپا
سیدفرید العفاس (۲۰۰۵)	پوشش اسلام: چالش‌ها و فرصت‌هایی برای رسانه در دهکده جهانی	مطالعه نقش رسانه‌ها در نمایش اسلام پس از حوادث جهانی مثل ۱۱ سپتامبر و جنگ‌های افغانستان و عراق (مقالات سمینار مرکز تحقیقات امور اسلامی سنگاپور)
امیر سعید (۲۰۰۷)	رسانه، نژادپرستی و اسلام‌هراسی: بازنمایی اسلام و مسلمانان در رسانه	مطالعه بازنمایی اسلام و مسلمانان در مطبوعات بریتانیا
محمدحسن ابوکاشاوا (۲۰۰۹)	بازنمایی لثبانه رسانه‌های غربی از اسلام	بررسی تصویرتحریف شده از اسلام و مسلمانان در رسانه‌های غربی
لوراناوارو (۲۰۱۰)	اسلام‌هراسی و جنسیت: زنان مسلمان در رسانه‌های غربی	مطالعه نقش رسانه‌های اسپانیایی و فرانسوی در نمایش زن مسلمان و حجاب
دنيس ريدواني (۲۰۱۱)	بازنمایی اعراب و مسلمانان در رسانه‌های غربی	مطالعه بازنمایی اعراب و مسلمانان در رسانه‌های غربی پس از حوادثی مثل جنگ خلیج فارس، بمب‌گذاری در اوکلاه‌ها و ۱۱ سپتامبر
مارتین آلین نیکلاس کارلر (۲۰۱۱)	رسانه‌ها و مسلمانان (پایان‌نامه درباره زیرساخت‌های رسانه‌های آرژانتین)	مطالعه تصویرسازی مسلمانان به عنوان تروریست در رسانه‌های غربی
ال سید ال اسواد (۲۰۱۳)	تصویر مسلمانان در علم و رسانه‌های غربی پس از بازده سپتامبر	مطالعه تصویر ساخته شده از مسلمانان در دانشگاه‌ها و رسانه- های غربی با اصطلاحات اسلام‌هراسی، تروریسم جهانی، جهاد اسلامی، فاشیسم و غیره
فرح بوسماها (۲۰۱۴)	تاثیر تصویر منفی از اسلام در فرهنگ و رسانه غربی از ۱۱ سپتامبر تا بهار عربی	مطالعه تصویر رسانه‌ها از اسلام پس از بازده سپتامبر با بررسی کارتون‌های دانمارکی شبکه‌های الجزیره و سی‌ان‌ان
دکتر محمدطاهر مصطفی دکتر احسان رحمان قاری سایما مشتاق (۲۰۱۵)	بازنمایی اسلام در رسانه‌های غربی و تاثیر آن بر جهان معاصر	مطالعه تصویر کلیشه‌های اسلام رادیکال در رسانه‌های غربی
سیف‌الدین احمد جورگ منس (۲۰۱۶)	بازنمایی رسانه‌ها از مسلمانان و اسلام از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵: یک فراتحلیل	تجزیه و تحلیل ۳۴۵ تحقیق منتشرشده درباره نقش رسانه در ساخت هویت مسلمانان با مطالعات مهاجرت، تروریسم و جنگ و مذهب خشونت‌آمیز
اریک بلچ، جولین سوفرانت امیلی استابلر، مارتیس وندروین (۲۰۱۸)	پوشش رسانه‌های تفکر مسلمانان: تجزیه و تحلیل ۴ روزنامه از ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۶	مطالعه ۸۰۰ هزار مقاله در روزنامه‌های انگلیسی، آمریکایی، کانادایی و استرالیایی برای تجزیه و تحلیل تصویر ارائه شده از مسلمانان

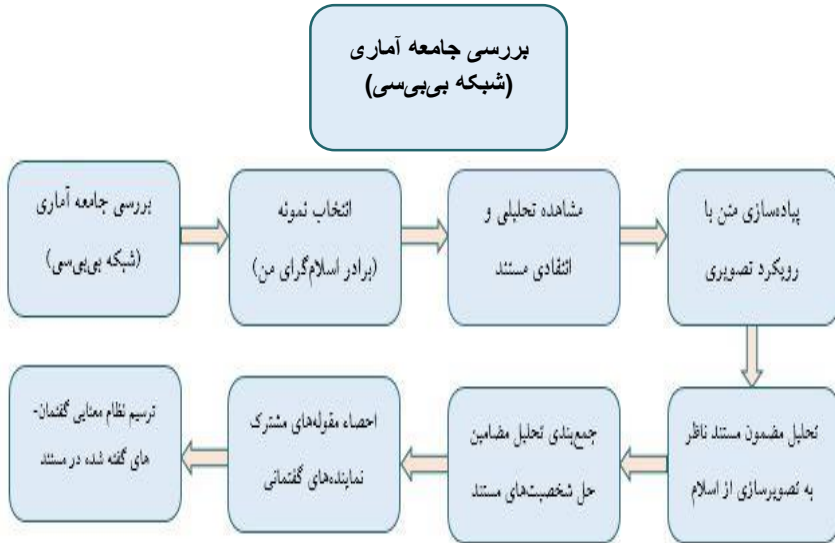
روش شناسی پژوهش

به‌منظور شناسایی چگونگی بازنمایی اسلام و همچنین کشف انگاره یا انگاره‌های مرتبط با اسلام در مستند برادر اسلام‌گرای من، ضمن مطالعه اسناد و مدارک موجود، از روش تحلیل گفتمان استفاده کردیم.

در روش تحلیل گفتمان تحلیل‌گر در برر سی یک متن (اعم از نوشتاری، گفتاری و تصویری) از خود متن فراتر رفته و وارد بافت یا زمینه‌ای که متن در آن خلق شده می‌گردد. این بدان معنی است که از یک‌سو به روابط درون‌متن و از سوی دیگر به بافت‌های موقعیتی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی متن می‌پردازد (نیک‌ملکی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۷).

در این روش، تمامی ابعاد و زوایای خلق متن، از دست‌ور زبان گرفته تا تفسیر نگرش‌های کنشگران، موردبررسی و بازکاوی قرار می‌گیرد. در نتیجه با محور قرار دادن خود متن و لحاظ کردن نظام زمینه‌ای آن، تحلیل و تبیینی از مفاهیم و معانی نهانی و لایه‌های مکتوم متن انجام می‌شود. این لایه‌های نهانی را معانی بین سطری یا میان‌متنی می‌گویند (گودرزی، ۱۳۸۹).

برای دستیابی به‌غایت نهایی پژوهش، یعنی ترسیم نظام معنایی مستند برادر اسلام‌گرای من از ترکیبی از رویکردهای مختلف در روش تحقیق کیفی با محوریت رویکرد گفتمان‌کاوی لاک‌لاو و موفه استفاده شد و همانطور که در طرح‌واره زیر مشخص است برای پیاده‌سازی متن نیز از رویکرد پیاده‌سازی تفسیری استفاده شد. در اینجا منظور از پیاده‌سازی تفسیری، همان‌طور که آکس اشاره می‌کند امری نظری است؛ که مستلزم تفسیر زبان گفتاری بوده و از آنجا که هیچ‌یک از سیستم‌های پیاده‌سازی متن به‌تنهایی قادر به نمایش همه‌چیز نیست؛ بر عهده پژوهشگر است که بر اساس پرسش‌های تحقیق مشخص کند که به چه چیزهایی نیاز است (یورگنسن & فیلیپس، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۰).



شکل ۱. فرایند انجام پژوهش

روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در واقع از میان برنامه‌های مختلفی که با محوریت تصویرسازی از اسلام از شبکه‌های مختلف تلویزیونی غرب پخش می‌شوند؛ با توجه به جایگاه شبکه بی‌بی‌سی جهانی و بازخوردها و حواشی قابل توجهی که پیرامون پخش مستند «برادر اسلام‌گرای من» ایجاد شد؛ این مستند به‌عنوان یک نمونه آماری انتخاب شد.

قابلیت اعتماد یافته‌ها

پایایی به معنای مرسوم آن یعنی ثبات و یکدستی مشاهدات، در پژوهش‌های کیفی دغدغه مهمی نیست چراکه اگر اندازه‌گیری از فعالیتی منفرد و تکرارناپذیر تشکیل شود؛ دیگر مقیاسی برای سنجش پایایی نمی‌تواند وجود داشته باشد. به‌بیان دیگر در پژوهش‌های کیفی با توجه به اینکه انبوه بی‌شماری از اعمال منفرد و تکرارناپذیر وجود دارد مثلاً مصاحبه‌ها غالباً تکرارناپذیرند؛ دستیابی به ثبات و

یکدستی در مشاهدات ناممکن است (لیندلف & برایان، ۱۳۹۲، ص. ۳۳۹ و ۳۴۰)؛ بنابراین در پژوهش‌های کیفی به‌جای تأکید بر پایایی و روایی تلاش می‌شود تا اعتبار پژوهش از طرق دیگری تأمین شود برای مثال میکوت و مورهاوس (۱۹۹۴) به‌جای تأکید بر پایایی و روایی، مبحثی با عنوان «قابلیت اعتماد» طرح‌های پژوهشی کیفی را مطرح می‌کنند.

مفاهیم گفتمان کاوی در نظریه گفتمان لاکلاو و موف

برخی از مفاهیمی که در این پژوهش بر پایه نظریه گفتمان لاکلاو و موف شکل گرفته‌اند و داده‌ها بر اساس آن‌ها تعریف و تفسیر شده‌اند به شرح ذیل است:

۱- فصل‌بندی: هرگونه عملی که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها در گفتمان تثبیت کند (یورگنسن & فیلیپس، ۱۳۹۳، ص. ۵۶).

۲- دال مرکزی: نشانه ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند؛ سایر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه‌شان با گره‌گاه اخذ می‌کنند (یورگنسن & فیلیپس، ۱۳۹۳، ص. ۵۷).

۳- دال شناور: در حقیقت آن عنصرهایی که معانی متفاوتی برای آن می‌توان اطلاق کرد دال‌های سیال یا شناورند. به‌عبارتی دیگر، گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به روش خاص خودشان به آن‌ها معنا ببخشند (یورگنسن & فیلیپس، ۱۳۹۳، ص. ۶۰).

۴- دال ارزشی: اگر بپذیریم که معم‌ترین هدف فیلم، شخصیت‌پردازی است؛ یکی از ورش‌های مناسب برای تحلیل متنی این است که به سراغ شخصیت‌پردازی برویم. در واقع تمام عناصر نشانه‌ای یک فیلم در راستای همین هدف در کنار هم قرار گرفته و سعی می‌شود تا شخصیت‌های درون فیلم مابه‌ازایی در جهان بیرون داشته باشند. از سوی دیگر تحلیل شخصیت یک نقش در فیلم منجر به دست یافتن به ویژگی‌های هویتی او و پس از آن ویژگی‌های گروهی و گفتمانی است (سلطانی، ۱۳۹۳). لذا اگر در تحلیل یک متن شخصیت‌های موجود در یک مستند را

به عنوان نماینده‌های یک گفتمان و یک دال مرکزی در نظر بگیریم؛ دال‌های ارزشی می‌توانند از پوشش، کنش و یا کلام هر شخصیت به دست آمده و در واقع معرف دال مرکزی باشند (سلطانی & مرشدی، ۱۳۹۶).

۵- هژمونی: عبارت است از سازمان‌دهی رضایت طی فرآیندی که باعث به وجود آمدن آگاهی‌های فرمان‌بردار بدون تو سل به خشونت یا اجبار می‌شود (Barret, 1991).

۶- نمایندگی: نمایندگی اساساً به این معنا است که یک وکیل فردی را که به لحاظ فیزیکی غایب است نمایندگی کند. حالت ایده آل این است که هماهنگی‌ای میان نماینده و گروهی که آن را نمایندگی می‌کند وجود دارد که در حقیقت باعث می‌شود نماینده اراده و خواست گروه را نمایندگی کند (یورگنسن & فیلیپس، ۱۳۹۳، ص. ۸۶).

۷- هویت: کنشگران درگیر در کشمکش بر سر تعریف و شکل دادن به واقعیت بر اساس مفهوم هویت، اقدام به طرد و جایگزینی و تعریف موضع خودی و دیگری می‌کنند. به عبارتی دیگر، در یک گفتمان افراد به صورت اصولی واحد و در فرآیند گفتمانی واحدی سازمان‌دهی می‌شوند. هویت به شکل گفتمانی و بر اساس زنجیره‌های هم‌ارزی بر ساخته می‌شود (یورگنسن & فیلیپس، ۱۳۹۳، ص. ۷۸).

۸- ایدئولوژی: ایدئولوژی یعنی مناسبات قدرت در جامعه توأم با زبان هژمونیکی است که به نحوی نظام‌مند واقعیت را پنهان می‌کند (یورگنسن & فیلیپس، ۱۳۹۳، ص. ۲۸۹).

فرایند اجرای پژوهش

ابتدا متن مستند با رویکرد تفسیری پیاده‌سازی شد و در این مسیر تلاش شده تا در حد امکان، لحن‌ها، فضای دیالوگ‌ها و تصاویر مهم ضمیمه شود تا در فرایند تحلیل، صورت‌بندی ارائه‌شده به شکل مناسب‌تری درک شود.

پس از پیاده‌سازی متن با استفاده از رویکرد تفسیری، اقدام به بررسی و طبقه‌بندی داده‌ها با ارجاع به سؤالات و اهداف پژوهش انجام شده است. در این مرحله

کدگذاری باز بر روی داده‌ها انجام شده و ذیل هر دال شناسا، مضامینی که به صورت مستقل برای بازنمایی آن دال استفاده شده بود؛ برگزیده شدند.

در مستند «برادر اسلام‌گرای من» با عنایت به تمرکز هدفمند فیلم‌ساز بر روی تعدادی از شخصیت‌ها و اختصاص زمان قابل توجهی از مستند برای بازنمایی آن‌ها، از میان اشخاص حاضر در مستند، پنج دال شناسا انتخاب شده است.

این دال‌های شناسا در دو مورد ناظر به یک شخص یا نماینده مشخص هستند و در یک مورد نیز شخصیتی مجهول نمایندگی این دال را به عهده دارد. این دال‌ها عبارت‌اند از؛ راب (سازنده مستند در نقش یک برادر)، بن، (یکی نوکیش نوجوان است که به تازگی مسلمان شده)، ریچ (برادر تازه مسلمان فیلم‌ساز)، چالدی (مراد ریچ و مصداق اتم‌گفتمان بنیادگرایی) و همچنین دال شناسای مسلمان معمولی که اگرچه نماینده مشخصی در مستند ندارد؛ ولی در نشانه‌های مختلف کلامی و غیرکلامی توسط فیلم‌ساز و سایر افراد از طریق غیریت‌سازی‌های مختلف به آن اشاره می‌شود و قابل شناسایی است.

پس از تحلیل و بررسی عینی و مستند هر یک از این نماینده‌های گفتمانی، مرحله نهایی تحقیق با استفاده از توصیه‌های رویکرد گفتمانی لاکلاو و موفه انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف متن مستند

مستند برادر اسلام‌گرای من، مستندی پنجاه‌وپنج دقیقه‌ای است که به روایت فیلم‌ساز از کم و کیف مسلمان شدن برادرش و بازنمایی تصویر وی به‌عنوان فردی بنیادگرا و البته افراطی اختصاص دارد. این مستند در روایت خود با اشخاص مختلفی صحبت می‌کند و بر آن است تا با استفاده از روش‌های مختلف اهداف و قضاوت‌های خود پیرامون اسلام را مستندسازی و عینی‌کند تا انگاره‌ای هدفمند از اسلام را به مخاطب منتقل کند.

باتوجه به افزایش حجم مقاله، پیاده‌سازی تفسیری متن مستند در مقاله آورده نشده و به استخراج و تحلیل دال‌های شناسا در مقاله اکتفا شده است.

تحلیل متنی دال‌های شناسا

در اینجا تو ضیحاتی راجع هریک از دال‌های شنا سا ارائه می شود که بیش تر ناظر به وجوه و ویژگی‌های شخصیتی آن‌هاست. هدف از این بخش شناسایی دال‌های ارزشی و مدلول‌های مرتبط با آن به عنوان نمایندگانی از یک گفتمان است.

شخصیت راب

راب راوی مستند است. یک روایت کننده که در نقش دانای کل، بازنمایی کلی شخصیت‌های فیلم به عهده اوست. نگاه او نسبت به مسلمانان به دو دسته کلی مسلمانان افراطی و مسلمانان عادی تقسیم می شود و اصلی ترین وجه تمایز این دو را می توان در رویکرد سیاسی سکولار راب نسبت به مسائل دینی جستجو کرد. راب مسلمانان عادی را افرادی صلح طلب می داند که نسبت به جامعه غربی و ارزش‌های آن واکنش تندی ندارند. اگرچه در حوزه مسائل شخصی خود به آموزه‌های عبادی ملتزم اند اما ورودی عملی به مسائل قدرت و سیاست و ایده‌ای و اقدامی برای تشکیل حکومت اسلامی نداشته و به تعبیر راب به جامعه غربی خود و ارزش‌های آن، هنوز پشت نکرده‌اند.

جدول ۳. دال و مدلول‌های شخصیت راب

ردیف	دال ارزشی	مدلول
۱	حس دوستی و رفاقت ریچ با سایر مسلمان‌ها	در رفتار، گفتار و عقاید خود تلاش می‌کند تا تصویری منطقی و عقلانی از خود ارائه دهد
	تظاهرات و شخصیت چالدری	
	آگاهی بدون اقدام از بی‌عدالتی‌ها	
۲	پذیرش زمینه‌ساز بودن ناهنجاری‌های غرب (مثل اعتیاد) در گرایش به اسلام	در روایت و قضاوت خود از شخصیت‌ها جانب انصاف و بی‌طرفی را رعایت می‌کند و نسبت به عقاید و جامعه خود متعصب نیست
	کنارهم قراردادن خصوصیات لطیف مسلمانان مثل شوخی و خواسته‌های خشونت طلبانه مثل عملیات استشهادی	
	فاصله گرفته مسلمانان از جامعه غربی (مثل تماشای فوتبال ریچ در میخانه تاپیش از مسلمانان شدنش)	
	روابط نزدیک، شوخ و دوستانه مسلمانان	
	علاقه‌ی خود به مسلمانان در مقابل نفرت آنها از جامعه‌ی غربی او	
	ثبات شخصیت ریچ در شوخ‌طبع‌اش پیش و پس از مسلمانان شدن بروز احساسات واقعی (عصبانیت از اسلام) پس از جدایی از ریچ	
۳	قرار دادن قانون (پلیس‌ها) مقابل تظاهرات مسلمانان با عنوان خشونت‌طلبی و ترویج نفرت	برای قوانین اجتماعی احترام بالایی قائل است
۴	قراردادن شرطی مقابل عبادت	در روایت خود واقع‌گرا است و ناهنجاری‌های غرب را عامل گرایش به بنیادگرایی می‌داند
	نفرت از اسلام‌گرایی افراطی	
۵	تقابل اسلام با غرب با اشاره به مهاجرت ریچ از لندن و ماندن او در لندن	نسبت به کشور و مردمش متعهد و علاقه‌مند است و لحن هشدار گونه‌ای نسبت به گسترش بنیادگرایی دارد
	اسلام به عنوان یک دنیای متضاد و بیماری بودن آن	
۶	فاصله زیاد او و ریچ پس از مسلمان شدن ریچ از جهات عاطفی و انسانی	در بروز احساساتش منطقی عمل می‌کند
	نگاه افراطی مسلمانان به جنگ عراق و افغانستان	
	سبک‌زندگی دردناک مسلمانان در حوزه بهداشت (بهداشت شخصی مسلمانان در دستشویی)	
۷	خوش‌نیت دیدن یک مسلمان در دیدار اول	در تعاملات خود با انسان‌ها فردی صمیمی است و به دنبال صلح و آشتی است.
	عدم اعتقاد مسلمانان به شانس	
	تردید درباره استقلال فکری مسلمانان	
	اسلام به عنوان یک پدیده که برادر را از برادر و مادر را از پسر جدا می‌کند.	
۸	تصویرسازی مثبت از نوع ارتباط غیرمسلمانان با مسلمانان تندرو در حالیکه در بیشتر دیالوگ‌ها تلویحا به این اشاره کرده که اسلام باعث جدایی دوستان و خانواده از هم شده است.	به ارتباطات انسانی معتقد است و بر همین اساس با کسانی که مخالف او هستند تعامل می‌کند.
۹	جدایی خود و ریچ به خاطر اسلام	نسبت به خانواده خود تعلقات عاطفی دارد
	اسلام یک موضوع غیرقابل درک برای خانواده‌های غربی	
	اسلام یک پدیده هزینه‌بر برای خانواده و بی‌ارزش بودن آن	

شخصیت ریچ یا صلاح‌الدین

ریچ جوان تازه‌مسلمان شده ایست که برخلاف معمول مثل غالب اسلام‌گرایان تندرو از کوهستان‌های افغانستان نیست بلکه یک جوان ۲۷ ساله سفیدپوست و فرزند یک خانواده متوسط و اهل یکی از شهرهای ساحلی بریتانیاست! او مانند سایر بنیادگرایان تندرو معتقد به مفهومی به نام جهاد است که آن را بخشی از مسلمان بودن می‌داند. ریچ همچنین شخصی به شدت قشری‌گرا و خود حق‌پندار است و جز مسلمانان را انسان نمی‌داند.

در جای‌جای مستند تلاش می‌شود تا دلیل اصلی گرایش ریچ و سایر هم‌کیشان سفیدپوست وی به اسلام، نوعی واکنش هیجانی به معضلات جامعه غربی معرفی شود. مصرف بیش‌ازحد الکل و کوکائین، رفتارهای تند و تحریک‌آمیز جرج بوش، فساد و مسائل غیراخلاقی در جامعه غربی بخشی از دلایلی است که باعث شده افرادی مثل ریچ نسبت به اسلام‌گرایش پیدا کنند. او و دوستانش افرادی هستند که هیچ کارآمدی برای خود و جامعه نداشته و فقط به فکر تظاهرات و اعتراض و تجمع و تبلیغ هستند.

جدول ۴. دال و مدلول‌های شخصیت ریچ

مدلول	دال ارزشی	ردیف
فردی که دارای ایدئولوژی و تمایلات خشونت-طلبانه است	خشونت در اسلام (سنگسار زنان، حجاب زنان)	۱
	جنگ‌طلبی اسلام	
	خشونت در اسلام و مخالفت با انتخاب‌گری	
	جزیمت و دگم بودن ریچ دلیل مهم مسلمان شدن او	
	خشونت در اسلام هنگام دعوت به دین (نمایش کتک زدن مردی که دعوت را پرت کرده)	
	ادبیات توهین‌آمیز و خشن مسلمانان خشونت‌طلبی مسلمانان	
در رفتار، گفتار و عقایدش تابع تبعیت‌های کور است و رفتار متعارضی دارد	اشاره به دست‌آوردهای مثبت غرب و استفاده عموم و مسلمانان از این امکانات در عین تعارض غیرمنطقی بنیادگرایان با غرب	۲
	برداشت‌التقاطی از آموزه‌های اسلام و سبک زندگی تحریف‌شده مسلمانان درباره فوتبال	
از نظر فکر به‌طور بسته، بی‌منطق و متحجر عمل می‌کند	حق نبودن اسلام و جانبداری آن	۳
	نژادپرستی اسلام در رابطه با غیرمسلمانان	
	القای تحجر و بسته بودن ذهن مسلمانان و اشاره به ترس از مواجه‌شدن با سؤال	
	دوقطبی سازی بین تماشای یک تفریح معمولی و حمایت از مظلوم بی‌منطقی و تعصب در اسلام	
نسبت به خانواده‌اش تعلق عاطفی ندارد	اسلام، ازبین برنده‌ی عواطف خانوادگی	۴
	جدیت اسلام در دعوت و مقابله با عواطف خانوادگی	
	ادبیات توهین‌آمیز نسبت به مردم کشورش	
دارای تمامیت‌طلبی و خودحق‌پنداری افراطی است	تفکرات نژادپرستانه در اسلام (با دست چپ دست دادن به کفار)	۵
	تقابل مطلق‌گرایایی اسلام به عنوان یک دین با دیگر ادیان	
	بی‌عاطفگی و گروه‌اندیشی در اسلام	
	تفکرات افراطی اخلاقی در اسلام	
دارای تفکرات جبرگرایانه است	تکلیف‌محوری بدون عقلانیت در اسلام	۶
	خشونت‌طلبی در اسلام	
معتقد به اسلام سیاسی است که به‌صورت خطرناکی در حال تکثیر است	اسلام سیاسی و قدرت‌طلب	۷
	هشدار از زیاد شدن مسلمانان	
تعلقات عاطفی و انسانی کم‌رنگی دارد	عدم دوستی مسلمانان با غیرمسلمانان	۸
	بی‌رحمی و باعاطفه بودن مسلمانان درباره میهن خود	
با مفهوم آزادی مخالف است به قانون پایبند نیست	تقابل اسلام با دموکراسی، لیبرالیسم، سوسیالیسم، کمونیسم	۹
		تقابل اسلام با قانون
نسبت به غرب و مظاهر آن تنفر شدیدی دارد و با موضعی عصبی با ناهنجاری‌ها مواجه می‌شود	نفرت اسلام از غرب	۱۱
	نفرت اسلام از دنیا	
	نفرت اسلام از سبک‌زندگی غربی	
	فاصله‌گرفتن اسلام از ناهنجاری‌ها (و نه حل کردن آن‌ها)	
نسبت به کشور و هم‌میهنانش تعلقات عاطفی و عرق وطنی ندارد	تنفر مسلمانان از میهن‌پرستی و هم‌میهنان با فرهنگ و دین متفاوت	۱۲
	تفکری سطحی نسبت به مشیت و جبر و اختیار	
	روزه‌داری با کسالت بی‌کاری و خواب طولانی‌مدت مسلمانان در ایام روزه‌داری	

شخصیت انجم چالدری

چالدری فردی مرموز و خطرناک معرفی می‌شود. اسلام‌گرایی تندرو که در لندن به وی لقب خطرناک‌ترین اسلام‌گرای بریتانیا داده شده است. تصویرسازی مستند از چالدری به گونه ایست که شخصیت او نامعقول، تمامیت طلب، جنگجو و خشونت طلب معرفی می‌شود. نسبت به عواطف خانوادگی و وطن دوستانه بیگانه است و موجب شده تا راب برادرش را از دست بدهد. تصاویر نمایش داده شده از وی غالباً افکت تصویری سیاه و سفید داشته و گزاره‌های چون «وی همیشه با تأخیر در محل تظاهرات حاضر می‌شود» مؤید نمایش تصویری مرموز و خطرناک از اوست.

جدول ۵. دال و مدلول‌های شخصیت انجم چالدری

مدلول	دال ارزشی	ردیف
در رفتار، گفتار و عقاید خود بی‌منطق است	المان‌های خشونت در اسلام و مخالفت با انتخاب‌گری	۱
فردی است که دارای تمایلات و ایدئولوژی خشونت‌طلبانه است	خشونت در اسلام (سنگسار زنان، بریده شدن دست سارقان)	۲
	جنگ‌طلبی اسلام	
	تمایل به جهاد و جنگ پس از مسلمان شدن	
معتقد به اسلام سیاسی است	حکومت اسلامی و قواعد کامل شریعت	۳
نسبت به کشور و هم‌میهنش تعلقات عاطفی و وطنی ندارد	تظاهرات مسلمانان در محل ادای احترام به سربازان بریتانیایی کشته شده در جنگ افغانستان	۴
برای جامعه سودی ندارد و دردمر درست می‌کند	تظاهرات دائمی در اسلام	۵
نسبت به دموکراسی موضع مخالفت دارد و از قانون سوء استفاده می‌کند	تقابل اسلام با قانون	۷
	مخالفت اسلام با دموکراسی	
دارای شخصیت مرموز و خطرناک	اسلام و خشونت‌طلبی	۸
	اسلام و پنهان‌کاری	

شخصیت بن

بن ۱۷ ساله است و یک مسلمان سفیدپوست که تا قبل از مسلمان شدنش مثل غالب جوانان غربی اهل مشروب خوردن، مصرف مواد، گروه‌های موسیقی هوی‌متال بوده است ولی یک‌باره به این نتیجه می‌رسد که در زندگی به‌جز مست

کردن‌های آخر هفته چیزهای دیگری هم هست و مسلمان شده و از دوستانش جدا و به فردی تنها تبدیل شده است.

با این حال پرسشگری، تعاملات باز و مردد و نرم بودن نسبت به سایر مسلمانان تندرو، اصلی‌ترین ویژگی بن است. او اما علی‌رغم کم‌اطلاع بودنش نسبت به مبانی ایدئولوژی مورد بحث؛ نسبت به برخی کلیشه‌ها کاملاً منفعل است. این گزاره که من هم مثلاً سایر برادران همین اعتقادات رو دارم چراکه وقتی مسلمان میشی مجبوری!

جدول ۶. دال و مدلول‌های شخصیت بن

ردیف	دال ارزشی	مدلول
۱	اسلام‌هراسی تازه مسلمان در ارتباطات اجتماعی	خصوصیات شخصیت انتقالی و بی‌ثبات
	جبرگرایی، بی‌منطقی و بدون فکر بودن و ظفره رفتن از پاسخ یک تازه‌مسلمان	
۲	شهادت‌طلبی در اسلام برابر است با خشونت‌طلبی اسلام	فردی است که دارای تمایلات خشونت-طلبانه است
	خشونت‌طلبی و راه اشتباه اسلام در نگاه خانواده غربی	
۳	غرب منطقی در مقابل اسلام غیرمنطقی	علی‌رغم گرایش‌های بنیادگرایانه، دارای صداقت و صمیمیت بوده و تا حدودی می‌توان با او تعامل کرد
۴	غبارزدایی تازه مسلمان از اسلام‌هراسی غربی‌ها	دارای روحیه جستجوگری است و درعین‌حال در موضع تردید و سؤال است
۵	جبرگرایی، ساده‌اندیشی و بی‌اطلاعی نسبت به مسائل دینی	رویکردی جبرگرایانه نسبت به زندگی و دستورات دینی دارد و اهل تقلید کور است
	گروه‌اندیشی در اسلام	
۶	سوءاستفاده از یک تازه‌مسلمان نوجوان و جدایی او از خانواده و میهنش	زندگی سخت و شخصیت منزوی و نسبتاً افسرده
۷	بی‌ثباتی فکری شخصیتی مسلمانان درباره اعتقاداتشان مثل شهادت	از حیث شخصیتی دارای نوعی از بی‌ثباتی و تعارض هویتی است
۸	ناهنجاری‌های زندگی غربی، علت مسلمان شدن	نسبت به زندگی غربی و ناهنجاری‌های آن موضع معترض و عصبی دارد
۹	استفاده از مظاهر تمدن غرب در عین تنفر از غرب	در گفتار و رفتار خود دارای تعارض است

دال شناسای مسلمان معمولی

این دال به صورتی مجهول در مستند تصویرسازی شده است. در واقع این دال نماینده شخصیتی مشخصی در مستند ندارد اما می‌توان المان‌های شخصیتی آن را از غیریت‌سازی مستندساز با اسلامی که او تندرو می‌داند؛ استخراج کرد. برای مثال راب

در معرفی هدف خود از ساخت این مستند می‌گوید؛ هدف من از ساخت این مستند کمک به همه ما برای درک این موضوع است که چرا ریچارد یک مسلمان معمولی نشد. چرا او به دنیایی که در آن بزرگ‌شده‌ایم کاملاً پشت کرده؟

درواقع مسلمان معمولی در نگاه راب، مسلمانی است که با شاخصه‌های زندگی و تمدن غربی سازگار است و اعتراضی نسبت به آن‌ها نداشته و ایده و اقدامی برای تشکیل حکومت اسلامی ندارد. آن‌ها بد نیت نیستند و می‌شود با آن‌ها ارتباط برقرار کرد چراکه مثل اسلام‌گرایان تندرو در مواجهه با کافران از ادبیات خشونت‌آمیزی استفاده نمی‌کنند.

همچنین صحبت‌های ریچ در مورد اسلام مطلوب خود، وجه تمایز اسلام عادی و اسلام افراطی را مشخص‌تر می‌کند. «کسانی که من نظراتشون رو می‌خونم با دیدگاه سایر مسلمانان فرق دارند. یکی از پیش‌بینی‌های پیغمبر این بود که یک حکومت اسلامی همه دنیا رو فتح میکنه. معلومه که تو دنیا مسلمانان زیادی هستن ولی همشون خواهان برپایی حکومت اسلامی نیستند»

جدول ۷. دال و مدل‌های مسلمان معمولی

مدلول	دال ارزشی	ردیف
اهل تعامل و سازش با غرب	تقابل اسلام معمولی با اسلام افراطی	۱
	اسلام افراطی همیشه معترض و اسلام معمولی مصالحه‌گر	
عدم تمایل به ورود دین در سیاست	اسلام معمولی مصالحه‌گر و فقط مربوط به زندگی شخصی افراد است و نه جامعه	۲

نتیجه‌گیری

ترسیم نظام معنایی حاکم بر مستند «برادر اسلام‌گرای من»

مفصل‌بندی دال‌های شناسا

اکنون می‌توانیم با توجه به خصوصیات که برای شخصیت‌های فیلم به دست آوردیم؛ نمودار ویژگی‌های مربوط به هر شخصیت را ترسیم کنیم و نشان دهیم که هریک از دال‌های شناسا چه دال‌هایی را حول خود مفصل‌بندی کرده‌اند.

جدول ۸. توزیع دال‌های گفتمانی در مستند «برادر اسلام‌گرای من»

شخصیت‌ها	راب	ریح صلاح‌الدین	انجم چالدی	بن	اسلام معمولی
مفصل‌بندی دال‌های مرتبط با شخصیت‌های مستند «برادر اسلام‌گرای من»	راوی عاقل و منطقی	عدم تعلق عاطفی به کشور	نامعقول و بی‌منطق	شخصیت انتقالی	محصور در زندگی شخصی
	قضاوت‌کننده بی‌طرف	ایدئولوژی و تمایلات خشونت‌طلبانه	تمایلات و ایدئولوژی خشونت‌طلبانه	تمایلات و ایدئولوژی خشونت-طلبانه	اهل مصالحه
	بدون تعصب	تبعیت‌های کور	خلافت اسلامی	صادق و صمیمی	تعامل و سازش با غرب
	احترام به قانون	رفتار و منطق متعارض	عدم تعلق عاطفی به کشور	جستجوگر و مردد	سیاسی نبودن
	واقع‌بین	تفکر بسته و متحجر	مفید نبودن برای جامعه	جبرگرایی و تقلید کور	تسلیم هنجار و قانون بودن
	متعهد نسبت به کشور و مردم	عدم تعلق عاطفی به خانواده	مخالفت با دموکراسی	زندگی منزوی و دشوار	اهل مسامحه
	احساسات منطقی	تمامیت‌طلبی و خودحق‌پنداری	عدم پایبندی به قانون و سواستفاده از آن	بی‌ثباتی شخصیتی	
	خیرخواه و صمیمی	جبرگرایی	مرموز و خطرناک	معارض به زندگی غربی	
	اهل تعامل و نقد	اسلام سیاسی			
	متعهد نسبت به خانواده	عدم تعلق عاطفی به انسان			
		مخالفت با آزادی			
		مخالفت با دموکراسی			
عدم پایبندی به قانون تفر و عصبیت شدید از غرب					
تعارض رفتاری و گفتاری					

بنیادگرایی افراطی

در این مرحله با توجه به مرحله قبل و با عنایت به وجود برخی تفاوت‌های حاشیه‌ای میان دال‌های ارزشی ریچ، چالدی و بن، این سه شخص را از حیث قرابت بالای مفهومی و نمایندگی اسمی اسلام بنیادگرایی افراطی (به گفته مستند ساز)، در نقش یک نماینده واحد محسوب می‌کنیم. نماینده‌ای که قرار است گفتمان بنیادگرایی افراطی را نمایندگی کند. لذا می‌توان مفصل‌بندی زیر را بر اساس وجوه عمومی و مشترک دال‌های ارزشی در نظر گرفت. لازم به یادآوری است که با توجه به اینکه مستند از طرفی بیش‌ترین حجم پرداخت را حول شخصیت ریچ یا صلاح‌الدین داشته است؛ و از سوی دیگر چالدی مراد ریچ و ریچ رابط بن محسوب می‌شود؛ طرح‌واره زیر بیش‌ترین مشابهت را با دال‌های ارزشی ریچ خواهد داشت.



شکل ۲. مفصل‌بندی دال‌های مرتبط با شخصیت بنیادگرایی افراطی

نظام‌های معنایی

مستند برادر اسلام‌گرای من به‌منظور تحقق اهداف سازنده به سود ایدئولوژی مطلوب خود از سازوکارهای شناخته‌شده نظریه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی استفاده کرده است. برجسته‌سازی و همچنین چارچوب‌گذاری که به‌نوعی مرحله دوم برجسته‌سازی محسوب می‌شود؛ در واقع، سازوکاری زبانی است که به کمک فرآیندهای مختلفی که در سطح جمله و روایت روی می‌دهند، بخش‌هایی از پیام برجسته می‌شود و بخش‌هایی به حاشیه رانده می‌شود.

در این بخش با اتکا به آنچه در مورد مفصل‌بندی نمایندگان سه‌گانه بخش قبل گفته شد؛ نظام معنایی هریک از این گفتمان‌ها به صورت زیر صورت‌بندی شده است.

گفتمان لیبرال دموکراسی

این گفتمان که در مستند برادر اسلام‌گرای من، توسط راب نمایندگی می‌شود؛ دارای دو پیش‌فرض اساسی است که به‌عنوان امر بدیهی انگاشته شده در تصویرسازی مستند از راب مشاهده می‌شود. اعتقاد به مفهوم انسان رهاشده در دنیا در اثر عدم اعتقاد به امور غیبی است که می‌توان آن را با انسان‌محوری عالم، فردگرایی و نتیجتاً نسبی‌گرایی در مقام اندیشه و قضاوت، یکسان دانست. در واقع فردگرایی و نتایج مترتب بر آن، پیش‌فرض اصلی این گفتمان است که به‌عنوان مفاهیمی بدیهی، انگاشته می‌شود.

با توجه به این هاله ابری شکل، می‌توان دال مرکزی در گفتمان لیبرال دموکراسی را مطابق آنچه در طرح‌واره زیر نمایش داده شده به عقل‌گرایی تعبیر کرد. در اینجا مراد از عقل، همان عقل این جهانی است که از راه پژوهش و تفکر نقادانه می‌توان آن را آشکار کرد. عقلی که هرگونه اندیشه متافیزیکی و استمداد از غیب را در فهم دنیا و مختصات علم مردود دانسته و صرفاً مبتنی بر عقل تجربه‌گرایی است که از طریق استقراء، قیاس و یا منطق ابطال‌گرایی و پوزیتیویستی با پدیده‌ها مواجه می‌شود.

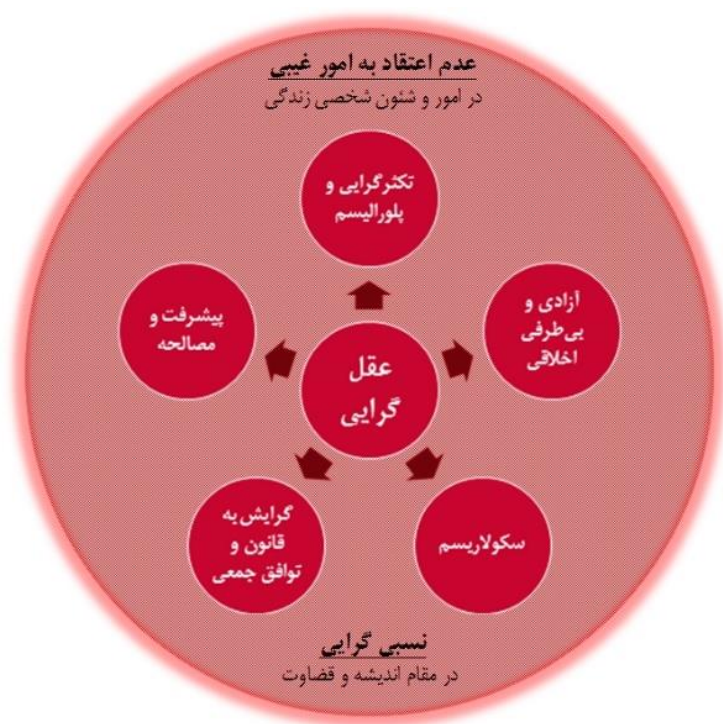
بر این اساس دال‌های پیرامونی عقل‌گرایی این‌گونه مفصل‌بندی می‌شوند. نخست اینکه به واسطه بدیهی انگاشتن فردگرایی، هر انسان ارزش اخلاقی برابر و نیز هویت‌های یگانه و مستقلی دارد و چون هر فرد خوبی را آن‌گونه که خود می‌داند تعریف می‌کند؛ از لحاظ اخلاقی نمی‌توان ارزش‌گرا بود و لذا دیگران را نمی‌توان و نباید قضاوت کرد. راب در این مستند بر همین اساس مواجهه اسلام‌گرایان با انتخاب‌های افراد جامعه، نظیر برهنگی و هم‌جنس‌گرایی را بر نمی‌تابد چراکه از نگاه او هر انسانی در ارزش دانستن انتخاب‌هایش آزاد است و لذا از نظر اخلاقی انگاره‌ای بی‌طرف را در ذهن مخاطب القا می‌کند.

دال پیرامونی بعدی به لزوم پایبندی به یک قانون دموکراتیک به‌عنوان توافق جمعی اختصاص دارد. بر این اساس افراد باید از بیشترین آزادی ممکن که سازگار با آزادی مشابهی برای دیگران است، برخوردار باشند و در مصالحه با توافق جمعی افراد حقی برای عدول از قانون نخواهند داشت. به همین خاطر است که راب، عدول اسلام‌گرایان از برخی قوانین یا اعتراض آن‌ها به برخی توافقات جمعی را بر نمی‌تابد و با قرار دادن آن‌ها در مقابل مفاهیمی چون میهن، قانون و یا ارتش سعی می‌کند انگاره‌ای غیرمنطقی از ایشان تصویر کند.

لیبرال‌ها معتقدند که جهان ساختاری عقلانی دارد و با کاربرد عقل انسانی و از راه پژوهش و نقادانه می‌توان آن را آشکار کرد. این اعتقاد باعث می‌شود که آن‌ها به توانایی افراد برای داوری خردمندانه به نفع خود باور داشته باشند. به همین جهت آن‌ها به پیشرفت و آمادگی انسان به رفع اختلافات از راه بحث و گفت‌وگو و نه جنگ و خونریزی، باور دارند. نمایش تصویری صلح‌طلب و اهل گفت‌وگو و تعامل با دیگران بیش‌تر ناظر به همین دال پیرامونی است که در تلفیق با نسبی‌گری باعث می‌شود انگاره‌ای اهل مدارا و گفت‌وگو از نماینده این گفتمان در مستند برادر اسلام‌گرای من تصویر شود. لیبرال‌ها می‌گویند پلورالیسم یا تکثرگرایی در قالب تنوع اخلاقی، فرهنگی و سیاسی، بسیار کارآمد است: اطمینان از محک خوردن همه باورها در برابر اندیشه‌ها بحث و گفت‌وگو و پیشرفت فکری را بهبود می‌بخشد. جالب اینکه درست در مقابل چنین دالی، غیریت‌سازی مستندسازی از دیگری (اسلام‌گرایان) به گونه ایست

که آن‌ها افرادی دگم‌اندیش، بی‌تحمل نسبت به شنیدن دیگران و نتیجتاً جنگ‌طلب تصویر می‌شوند.

با توجه به بدیهی‌انگاشته شدن فردگرایی در گفتمان لیبرال دموکراسی و قرار داشتن عقل‌گرایی به‌عنوان دال مرکزی این نظام معنایی، اگر فردی به دلایلی که ذیل آزادی فردی تعریف می‌شود؛ مصمم بر انتخاب دین باشد؛ عمل به اقتضائات این دین‌داری تنها در حوزه زندگی شخصی فرد توجیه می‌شود و لذا ورود دین در عرصه سیاست و قدرت امر توجیه‌ناپذیری است که از آن به سکولاریسم یاد می‌شود. بر همین اساس است که توصیف چالدی، ریچ و بن به‌عنوان نمایندگان گفتمان بنیادگرایی افراطی، به‌عنوان افرادی که در آرزوی فتح دنیا و تحمیل قوانین شریعت در قالب حکومت اسلامی هستند؛ به‌گونه‌ای هشدارآمیز انجام می‌شود. این مهم در غیریت‌سازی با گفتمان اسلام سکولار که از آن با نام اسلام معمولی یاد می‌شود؛ به صورت رقیق‌تری دیده می‌شود. وقتی راب از اسلام معمولی در برابر اسلام افراطی صحبت می‌کند؛ اصلی‌ترین ویژگی این اسلام را در جدایی آن از رؤیای تشکیل حکومت و پشت نکردن به ارزش‌های جامعه غربی یا سازش با آن صورت‌بندی می‌کند.



شکل ۳. نظام معنایی گفتمان لیبرال دموکراسی در مستند «برادر اسلام‌گرای من»

گفتمان بنیادگرایی افراطی

این گفتمان که در مستند برادر اسلام‌گرای من، توسط ریچ، چالدی و بن نمایندگی می‌شود؛ دارای دو پیش‌فرض اساسی است که به‌عنوان امر بدیهی انگاشته شده در تصویرسازی مستند از اسلام افراطی مشاهده می‌شود. اعتقاد به امور غیبی در تمامی امور و شئون زندگی و همچنین مطلق‌گرایی در مقام اندیشه و قضاوت، پیش‌فرض‌های اصلی این گفتمان است که به‌عنوان مفاهیمی بدیهی انگاشته می‌شوند. لازم به توضیح است که مطلق‌گرایی در مقابل نسبی‌گرایی برآمده از انسان‌محوری در گفتمان لیبرال دموکراسی تعریف می‌شود و در آن امور و پدیده‌ها از حیث ارزشی دارای وضعیت نسبی نبوده و به‌صورت مطلق شناخته و ارزش‌گذاری می‌شوند.

با توجه به این هاله ابری شکل، می‌توان دال مرکزی در گفتمان بنیادگرایی افراطی را مطابق آنچه در طرح‌واره زیر نمایش داده شده به جزم‌اندیشی، خشک‌اندیشی و یا دگماتیسم تعبیر کرد. در اینجا می‌توان جزم‌اندیشی را به نوعی فهم غیر انتقادی، متعصبانه و نه متفکرانه از عالم و پدیده‌ها تعبیر کرد که بر مبنای اطلاعات محدود و نگرش سطحی ایجاد شده است. نگرشی که در عین سطحی بودن از طرف فرد، حقیقت مطلق تلقی شده و باعث مرزبندی صریح و غیرقابل انعطاف او با دیگری و حتی جدال و خشونت می‌شود.

در اینجا اما مراد از جزم و قطعیت، سخنان و دعاوی پوچی است که فاقد برهان عقلی و واقعیات بوده، ولی با اصرار و عصبیت به‌عنوان امر قطعی و حتمی بیان شده فلذا منسوب به دگم می‌باشند.

در مستند برادر اسلام‌گرای من، جزم‌اندیشی عنصر اساسی در دال‌های ارزشی شخصیت‌هایی است که به‌عنوان نماینده گفتمان بنیادگرایی اسلامی، تصویرسازی می‌شود. اگرچه شدت و حدت این جزم‌اندیشی از چالدی، ریچ و بن و سایر برادران مسلمان معرفی شده در مستند یکسان نیست اما؛ وجه اشتراک اصلی تمامی مفصل‌بندی‌های انجام‌شده در مستند بر همین مبنا قرار دارد. این جزم‌اندیشی در تصویرسازی مستند در مقابل دال‌های پیرامونی گفتمان لیبرال دموکراسی که توسط راب (مستندساز) نمایندگی می‌شود قرار دارد.

جزم‌اندیشی برخلاف گفتمان مقابل خود اهل شنیدن نقد، مدارا و گفتگو با دیگرانی که عقاید متفاوتی دارند نیست. در مقابل دال پیرامونی پيشرفت و مصالحه، خشونت‌طلبی کلامی و رفتاری را جذب می‌کند و آن را در تمام کنش‌های خود با دیگری ابراز می‌کند. انگاره‌سازی‌های مستند از دال با استفاده از نمودهای مختلف تکنیکی برجسته‌سازی و چارچوب‌گذاری شده است. استفاده از پلن‌های تاریک و صحنه‌های فریاد اسلام‌گرایان در تظاهرات و مواجهه با غیرمسلمانان و یا بهره‌گیری از ظرفیت‌های موسیقایی در جهت ایجاد انگاره‌های خشن از برادران، نمونه‌هایی از تلاش مستندساز برای صورت‌بندی این نظام معنایی است.

روی دیگر جزم‌اندیشی در طرد دال مرکزی عقلانیت توسط برادران اسلام‌گرا نمود پیدا می‌کند. مفصل‌بندی دال چیرگی احساسات و هیجانات بر عقلانیت، نمونه دیگری است که در بخش‌های مختلف مستند، انگاره‌ای عصبی و بی‌منطق را از بنیادگرایان به نمایش می‌گذارد. افرادی که حتی در مقام انتخاب دین خود نه بر مبنای تحقیق که به قول سازنده از سر تصادف و یا تخلیه عصبیت‌های ناشی از مواجهه با آسیب‌های اجتماعی تمدن غرب، اسلام را برگزیده‌اند. این دال ناظر بر تعارضات منطقی اسلام‌گرایان نیز هست که جمود فکری این افراد را در انتخاب نوع ورزش و سبک زندگی تنها متوقف بر سنت‌های ۱۴ قرن پیش می‌داند اما در اجرای احکام خود مثل ختنه کردن، با بی‌منطقی و تعارض تمام، دست به دامان تکنولوژی‌های پیشرفته غربی می‌شوند که تا بن دندان از آن انزجار دارند.

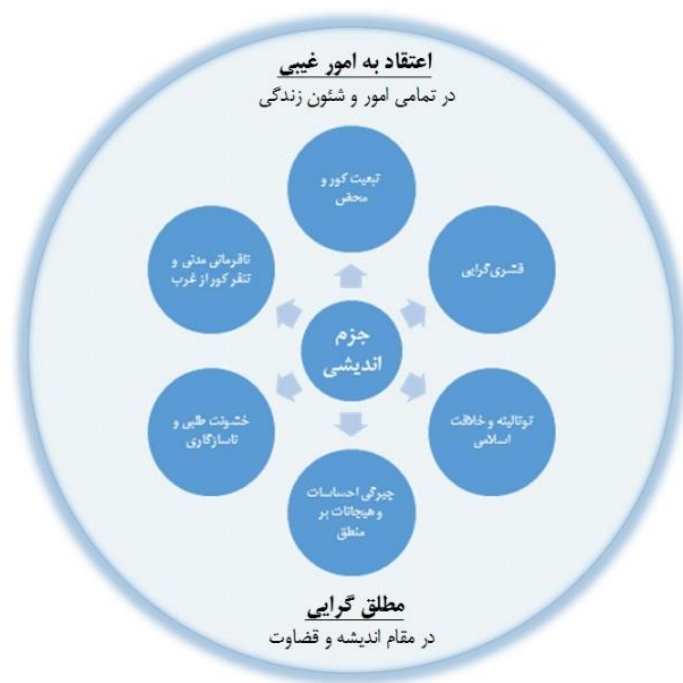
تبعیت کور و محض از قوانین شریعت نتیجه دیگری است که ذیل دال مرکزی جزم‌اندیشی، برای بنیادگرایان تصویرسازی و صورت‌بندی شده است. این دال که در رابطه با امر بدیهی انگاشته شده ایمان به غیب معنا یافته است؛ موجب می‌شود تا بنیادگرایان افرادی بی‌منطق و فاقد عقلانیت تصویر شوند که بی‌هیچ دلیل و منطقی از قوانین بعضاً غیرعقلانی تبعیت می‌کنند. اذعان بن به این مطلب که «وقتی مسلمان می‌شوی مجبوری!» مصداقی واضح از وجود چنین دالی در نظام معنایی بنیادگرایان است که در مستند برادر اسلام‌گرای من به صورت نگرشی جبرگرایانه تصویرسازی شده است. این دال نقطه مقابل دال آزادی در گفتمان لیبرال دموکراسی است و بر اساس آن افراد در یک منطبق جبرمحور، محکوم به اطاعت از احکامی هستند که برای فهم آن‌ها یا اجازه طرح سؤال ندارند یا به واسطه سیاه بودن قلب، آمادگی و لیاقت فهم فلسفه وجودی این احکام را از دست داده‌اند.

قانون‌گریزی و نافرمانی مدنی دال دیگری است که در گرو جزم‌اندیشی و از طریق ایجاد دوگانه قانون-شریعت بر ساخت می‌شود. این مهم در راستای عدم تحمل غیر و البته تنفر کور اسلام‌گرایان غربی از همه مظاهر تمدن غرب تصویرسازی شده و در ست مقابل دال پیرامونی رجوع به توافق جمعی در نظام معنایی لیبرال دموکراسی

قرار دارد. آتش زدن پرچم آمریکا یا تظاهرات علیه قوانین و عملکرد دولت‌ها مصادیقی است که مستندساز در بخش‌های مختلف فیلم به آن‌ها اشاره کرده است.

قشری‌گرایی، دال پیرامونی دیگری است که در ارتباط با جزم‌اندیشی، نظام معنایی گفتمان بنیادگرایی افراطی را تشکیل می‌دهد. قشری‌گرایی نوعی جزم‌اندیشی گروهی است که در ارتباط با دال خشونت‌طلبی و ناسازگاری قرار دارد و موجب می‌شود تا برادران از موضعی بالا، تنها خود را بر حق دانسته و تمایلی برای تعامل با دیگری نداشته باشند. این دال که نقطه مقابل نسبی‌گرایی و پلورالیسم در گفتمان لیبرال دموکراسی است؛ باعث می‌شود تا برادران، کفار را به صورت تحقیرآمیزی مخاطب قرار دهند و حتی در تعامل با راب او را موجود کثیفی محسوب کنند که تنها می‌توان با دست چپ به او دست داد و جز برای دعوت به اسلام، مجوزی برای تعامل با وی وجود ندارد چراکه امکان منحرف شدن ایشان توسط کفار وجود دارد.

دال پیرامونی دیگری که حول دال مرکزی جزم‌اندیشی صورت‌بندی می‌شود؛ مرتبط با گرایش اسلام‌گرایان افراطی به تشکیل حکومت و یا به تعبیر راب (مستندساز)، رؤیای فتح دنیا برای تحمیل قوانین شریعت است. این دال نقطه مقابل سکولاریسم در گفتمان لیبرال دموکراسی است که بر اساس آن دین محصور در زندگی شخصی است. تصویرسازی مستندساز از این دال در قالب گزاره «پشت کردن برادران به جامعه غرب» بارها در مستند تکرار می‌شود و اسلام‌گرایان تندرو افرادی معرفی می‌شوند که در صدد نوعی تمامیت‌طلبی یا توتالیته دینی در مقیاس جهانی هستند.



شکل ۴. نظام معنایی گفتمان بنیادگرایی افراطی در مستند «برادر اسلام‌گرای من»

گفتمان اسلام معمولی

این گفتمان که در مستند برادر اسلام‌گرای من، توسط شخص معلومی نمایندگی نمی‌شود؛ به‌نوعی حدفاصل دو گفتمان قبلی است. حدفاصلی که در واقع نوع‌سازش کارانه گفتمان بنیادگرایی افراطی با گفتمان لیبرال دموکراسی محسوب می‌شود و دال‌های ارزشی آن از طریق غیریت‌سازی با گفتمان اسلام‌گرای افراطی برسازی می‌شود.

این گفتمان دارای دو پیش‌فرض اساسی است که به‌عنوان امر بدیهی انگاشته شده در تصویرسازی مستند از اسلام معمولی مشاهده می‌شود. اعتقاد به امور غیبی در امور و شئون شخصی زندگی و همچنین نسبی‌گرایی در مقام اندیشه و قضاوت، پیش‌فرض‌های اصلی این گفتمان است که به‌عنوان مفاهیمی بدیهی انگاشته می‌شوند.

تا همین‌جا مشخص است که این دوگانگی بدیهی در نخستین نمود خود، دال چندگانگی و تعارض هویتی را به همراه دارد. این مهم را می‌توان در غیریت‌سازی مستندساز پیرامون اسلام معمولی در مقابل اسلام افراطی مشاهده کرد. گزاره‌ای نظیر پشت نکردن به غرب در عین تقید به ظواهری مثل نماز و حجاب و سکوت در برابر مسائلی مثل کشتار مسلمانان در فلسطین مؤید این دال پیرامونی است.

بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که التقاط دال مرکزی این نظام معنایی را تشکیل می‌دهد. در اینجا مراد از التقاط گرفتن مفاهیم گوناگون از حوزه‌های مختلف و پیوند زدن و ترکیب کردن آن‌ها با یکدیگر، آن‌هم در شرایطی است که نفس این آمیختگی از لحاظ منطقی و مبنایی نادرست باشد. در مورد منشأ و چرایی ایجاد این التقاط و انواع آن (نظیر التقاط ایدئولوژیک، التقاط علمی، التقاط تجربی و التقاط دنیازدگی) صحبت‌های زیادی شده است اما آنچه در مستند مذکور به‌عنوان دال مرکزی گفتمان اسلام معمولی دیده می‌شود؛ اشاره‌ای صریح و درعین‌حال کلی به مسائلی است که جملگی ناظر بر التقاط‌گری این گفتمان است.

بنا بر آنچه گفته شد؛ پلورالیسم یا تکثرگرایی یکی از دال‌های شناوری است که تا حدود زیادی مشابه و یا تحت تأثیر نسبی‌گرایی گفتمان لیبرال دموکراسی تعریف می‌شود. بر همین اساس است که دال مدارا، مصالحه و سازش نیز در برابر گفتمان رقیب برسازی شده و علی‌رغم وجود تعارضات مبنایی، مسلمان معمولی به تعبیر راب، برخلاف بنیادگرایان افراطی درصدد تعارض و یا ایجاد تغییر در جامعه غربی نیست.

دال پیرامونی دیگر این گفتمان که تحت اثر دال مرکزی التقاط قرار دارد؛ ناظر به جدایی دین از حوزه سیاست و قدرت مشابه با نظریات مشهور به سکولاریسم است. نمایندگان مجهول گفتمان اسلام معمولی، برخلاف گفتمان بنیادگرایی افراطی، سودای حکومت و تحمیل شریعت به جامعه را نداشته و شهروندانی مطیع و سازشگر در برابر توافق جامعی غرب و هنجارهای آن محسوب می‌شوند و به تعبیر راب، بد نیت نیستند! این دال نیز در مقابل دال نافرمانی و قانون‌گریزی در گفتمان بنیادگرایی

و در توافق با گرایش به توافق جمعی در نظام معنایی لیبرال دموکراسی تصویر سازی شده است.



شکل ۵. نظام معنایی گفتمان مسلمان معمولی در مستند «برادر اسلام گرای من»

مستند برادر اسلام گرای من در صورت بندی گفتمانی اسلام به گونه ای عمل کرده است که با انگاره سازی مثبت از گفتمان لیبرال دموکراسی به عنوان گفتمان مقابل اسلام، راب (مستند ساز) را به عنوان انسانی متعادل و با مختصات گفته شده در بخش تحلیل متنی معرفی می کند.

از سوی دیگر اما برخلاف عنوان مستند که به صورت کلی از اسلام نام برده می شود؛ بیشترین تمرکز مستند بر معرفی نوعی اسلام سلفی و افراطی است که در تصویر سازی از آن مختصاتی تاریک، خشن، متناقض و غیر منطقی مطابق با آنچه در بخش تحلیل متنی آمد؛ ارائه می شود؛ حال آنکه در مقام تفکیک این نوع اسلام

تحریفی از اسلام حقیقی، کلیدواژه «اسلام معمولی» جعل می‌شود که این اسلام نیز به صورت اسلامی اخته شده، التقاطی و البته مطیع در برابر غرب تصویرسازی می‌شود. به دیگر سخن وجوه منفی اسلام افراطی به کلیت اسلام تعمیم داده شده و مستندساز برای رهایی از این موضع تهمت که بر اساس کدام منطق این شق انحرافی و افراطی اسلام را کل اسلام تعمیم داده؛ وجه انحرافی دیگری از اسلام را با نام اسلام معمولی معرفی و تصویرسازی می‌کند که این گفتمان نیز با مختصات ارائه شده در بخش تحلیل نظام معنایی، کم‌ترین نسبت را با اسلام ناب محمدی دارد.

مستندساز از سخن گفتن یا تصویرسازی در مورد وجوه مثبت اسلام عبور کرده و هیچ شخص مشخصی را حتی برای نمایندگی اسلام معمولی معرفی نمی‌کند و در مورد اسلام حقیقی نیز به کلی سکوت می‌کند تا شاید به این وسیله راهبرد اسلام هراسی را با پرداختی غیرمستقیم و به ظاهر بی طرفانه محقق کند.

منابع

منابع فارسی

۱. اسفندیاری، ش. (۱۳۹۳). پرسش‌ها و توصیه‌هایی درباره مدیریت تصویر رهبری. مجله هابیل، شماره هفتم، ص. ۴۶-۴۸.
۲. سلطانی، س. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی گفتمانی یک جدایی. مطالعات جامعه‌شناختی، ۴۳-۷۲.
۳. سلطانی، س.، & مرشدی، پ. (۱۳۹۶). تعالم و تقابل گفتمانی نشانه‌شناسی گفتمانی فیلم گوزن‌ها. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۶۹-۱۹۲.
۴. شریفی، س.، انصاری، ن.، & اسدالله زاده، م. (۱۳۹۵). ایران هراسی در گفتگوهای خبری سی‌ان‌ان مطالعه‌ای بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک. مطالعات انقلاب اسلامی.
۵. فیاضی بروجنی، س.، & صلواتیان، س. (۱۳۹۴). بازمهندسی فرایند مدیریت تصویر در سازمان صداوسیما. تهران: دانشگاه صداوسیما.
۶. فیاضی بروجنی، س.، & فضلی زاده، ا. (۱۳۹۷). مدیریت تصویر رهبری در شبکه‌های ماهواره‌ای. تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار سازمان صداوسیما.
۷. فیاضی، س.، & صلواتیان، س. (۱۳۹۴). بازمهندسی فرایند مدیریت تصویر در سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشکده ارتباطات، دانشگاه صداوسیما.
۸. گودرزی، ح. (۱۳۸۹). مقایسه گفتمان خبری، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) و سایت بی‌بی‌سی فارسی در مورد اخبار هسته‌ای (با تأکید بر مسئله ساخت تاسیسات هسته‌ای قم «فردو». تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صداوسیما.
۹. لیندلف، ت.، & برایان، ت. (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات. (ع. گیویان، مترجم) تهران: همشهری.
۱۰. محمدخانی، م. (۱۳۹۰). بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۱. مولانا، ح. (۱۳۷۵). رسانه‌ها و انگاره‌سازی. (غ. تاجیک، تدوین) فصلنامه رسانه، ۱۰-۱۸.
۱۲. مهدی‌زاده، س. (۱۳۸۷). بازنمایی و رسانه. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

۱۳. نیک‌ملکی، م. (۱۳۸۴). تحلیل گفتمان اخبار شبکه‌های العالم و الجزیره با تأکید بر رویدادهای عراق. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صدا و سیما.
۱۴. ون دایک، ت. ا. (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی. (گروه مترجمان، مترجم) تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۵. یورگنسن، م.، & فیلیپس، ل. (۱۳۹۳). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. (ه. جلیلی، مترجم) تهران: نشر نی.

منابع لاتین

1. Barret, M. (1991). *Ideology, politics, hegemony: from Gramsci to Laclau and Mouffe*. Cambridge : Polity Press.
2. Goffman, E. (1959). *The presentation of self in everyday life*. New York: Doubleday.
3. Hall, P. (1972). A symbolic interactionist analysis of political. *Sociological Inquiry*, 35-75.
4. Hall, P. (2009). The presidency and impression management. In D. Brissett, C. Edgley, & R. A. Stebbins, *Life as theater: A dramaturgical source book* (pp. 3653-377). New York: Aldine de Gruyter.
5. Richard, E., & Couto, A. (2012). *Impression Management, Political and Civic Leadership*. Thousand Oaks: Sage publications.